

نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۱۷)

مرتضی کریمی نیا

| ۳۱-۶۰ |

مصاحف به خط حجازی: کهن ترین دست نوشته های قرآنی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Codicology of the Qur'anic Manuscripts (17): Qurans in Hijazi Script - The Oldest Handwritten Qurans
Mortaza Karimnia

Abstract: Ancient Qur'anic manuscripts are generally known as Kufic Qurans. Writing the Qur'an in various forms of Kufic script continued until the early 7th century AH. Among these, a category of ancient Qur'anic manuscripts exhibits features rarely seen or entirely absent in other Kufic manuscripts. These Qurans, characterized by an overall slant and a tendency to the right, are referred to as Hijazi. This article explores and introduces the most important characteristics of Qur'anic writing in the Hijazi style during the first and early second centuries AH. These features are generally not continued in the Kufic script in subsequent centuries. Therefore, the presence of all or most of these features in an ancient Qur'anic manuscript points to its transcription in the first or early second century AH.

Keywords: Hijazi Qurans, Kufic Qurans, Ancient Qur'anic Manuscripts, Qur'anic Writing in the First Century, Qur'an History.

چکیده: نسخه های کهن قرآن عموماً با عنوان قرآن های کوفی شناخته می شوند. کتابت قرآن با انواع مختلف خط کوفی تا اوایل قرن هفتم هجری ادامه داشته است. در این میان، دسته ای از نسخه های کهن قرآنی حاوی ویژگی هایی اند که در سایر نسخه های کوفی بسیار کمتر دیده شده یا اصلاً دیده نشده است. این دسته از قرآن ها را که در ظاهر کلی آنها افتادگی و تمایل به سمت راست وجود دارد، حجازی می نامیم. مقاله حاضر به بررسی و معرفی مهم ترین ویژگی های قرآن نویسی به سبک حجازی در سده نخست و اوایل سده دوم هجری می پردازد. این ویژگی ها عموماً در کتابت قرآن به خط کوفی در سده های بعدی ادامه نیافته است. بنابراین وجود تمام یا اکثر این نشانه ها در یک نسخه کهن قرآنی به کتابت آن نسخه در در سده نخست یا اوایل سده دوم هجری اشاره دارد.

کلمات کلیدی: قرآن های حجازی؛ قرآن های کوفی؛ نسخه های کهن قرآن؛ کتابت قرآن در سده نخست؛ تاریخ قرآن



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دانش قرآن‌شناسی در دهه‌های اخیر با توجه مجدد به اسناد و شواهد باقی مانده از نخستین قرون پس از اسلام به دستاوردهای تازه‌ای در شناخت تاریخ متن قرآن دست یافته است. این امر البته «تجدید نظر طلبان غربی» (Western Revisionists) و پیروان امروزی جان ونزبرو را که به وجود نهایی متن قرآن تا اواخر قرن دوم هجری باور ندارند، چندان خوشحال نمی‌کند، اما دست کم گاه توانسته است توجه آنها را نیز به اهمیت این اسناد و شواهد جلب کند. یافتن کتیبه‌های مختلف با خطوط و زبان‌های سامی در حجاز و بین‌النهرین، و ارائه تحلیل‌های تازه در این باب، کشف و تحلیل برخی مصاحف غیرعثمانی در یمن، نتایج آزمایش‌های مختلف کربن ۱۴ بر روی پوست برگه‌های برخی مصاحف کهن در جهان، و به‌طور کلی، انتشار متن برخی مصاحف به خط مایل یا حجازی، برجای مانده از قرن نخست هجری را می‌توان در شمار این تحولات دانست که هم در میان مسلمانان و هم در میان محققان غربی توجه و اعتنای بسیار جلب کرده است.

نسخه‌های قرآنی به جا مانده از نخستین قرون اسلامی، هر یک سندی برای شناخت تاریخ کتابت و قرائت قرآن کریم به شمار می‌آیند. از این جهت، نسخه‌های هر چه قدیمی‌تر، شاهدهی صریح‌تر و ارزشمندتر برای شناخت کهن‌ترین رویدادهای مرتبط با تاریخ متن و کتابت و قرائت قرآن به شمار می‌آیند. طبیعی است برخی از این اسناد و مدارک، دانش‌های گذشته ما را - که مبتنی بر داده‌های منابع اسلامی و مکتوب کهن بوده‌اند - تأیید می‌کنند و پاره‌ای نیز به ما کمک می‌کنند اطلاعات گذشته‌خویش را از نو بازسازی یا تصحیح کنیم. اطلاعات دقیق‌تر در باب شیوه کتابت قرآن در سده نخست، پیدایش و رواج قرائت رسمی و قرائت شاذ، اختلاف در رسم و املاي کلمات، نشانه‌های تفاوت در کتابت منطقه‌ای قرآن (اختلاف مصاحف الامصار)، سیر تحول علامت‌گذاری (نقط و اعراب) در متن قرآن، نظام‌های مختلف شمارش و تعیین پایان آیات (عدّ الآی)، روش‌های مختلف در نام‌گذاری سوره، و به‌کارگیری تذهیب و سایر علایم مصحف‌نگاری در هنگام کتابت قرآن، همگی در سایه مطالعه بیشتر و پژوهش دقیق‌تر کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی فراهم خواهد آمد.

هر نسخه قرآنی به خط حجازی، کوفی یا غیر آن از قرن اول تا چهارم هجری که به نحو عمومی در اختیار محققان قرار گیرد، دریچه تازه‌ای از اطلاعات در یکی از حوزه‌های تاریخ متن و کتابت قرآن برایشان می‌گشاید. هر چه از آغاز اسلام بیشتر فاصله می‌گیریم، اهمیت تاریخی این نسخه‌ها به نسبت کمتر می‌شود، اما این آثار هیچ‌گاه از حیث علمی بی‌اهمیت یا بی‌ارزش نمی‌شوند. پژوهش در قرآن نویسی در جهان اسلام حتی طی قرون پنجم تا دهم هجری نیز می‌تواند جوانب مهمی از تاریخ حیات فکری و فرهنگی مسلمانان در جغرافیای وسیع جهان اسلام و در میان دولت‌های مختلف را بر ما بگشاید. از آنجاکه هیچ امر فرهنگی و تمدنی، هرگز در خلأ و به دور از تحولات سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود صورت نمی‌پذیرد، مطالعه این نسخه‌ها - که نمودهایی از

بالاترین درجه فرهنگ و تمدن اسلامی به‌شمار می‌آیند - می‌تواند جوانبی از رویدادهای تاریخی زمانه کتابت‌شان را بر ما هویدا کند و بالعکس، اطلاعات افزون‌تر ما نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی (و گاه مذهبی) روزگار کتابت، می‌تواند به فهم بهتر برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این نسخه‌ها کهن قرآنی بیانجامد.

متن قرآن در طبیعت نخستین خود قالبی شفاهی داشته است. این متن بنا بر روایات اسلامی پس از وحی، به دستور پیامبر اکرم (ص) با ابزارهای موجود در آن زمان کتابت شده است. روایات اسلامی، تدوین نهایی متن قرآنی به صورت مکتوب را به زمان عثمان بن عفان، خلیفه سوم نسبت می‌دهند و از همین رو، نسخه کنونی از متن قرآنی را قرآن عثمانی می‌خوانند که گفته می‌شود نسخه‌هایی از آن به شهرهای کوفه، بصره، شام، مدینه و مکه ارسال شده است. با این همه، سنت فراگیری و تعلیم متن قرآن در قرون نخست، همواره به طریق شفاهی و از طریق سماع از مفسران و قاریان، مفسران، ادیبان، و گاه فقیهان در کنار این سنت شفاهی، گاه به متن مکتوب از مصاحف کهن نیز اشاره و استناد می‌کرده‌اند. این امر یعنی استناد به متن مکتوب قرآنی، از قرن سوم به بعد بسیار بیشتر شده است و با مراجعه به این نسخه‌های مکتوب یا نقل گزارش‌های متقدمان در خصوص ویژگی‌های این مخطوطات و مصاحف، کتاب‌های مرسوم الخط، قرائات، کتب المصاحف و مانند آن تألیف شده‌اند.

با تمام این احوال، بررسی عینی مصاحف قرآنی برجای مانده از قرون نخست به ندرت موضوع پژوهش محققان اسلامی بوده است. تنها در دهه‌های اخیر، برخی از محققان مسلمان چون طیار آلتی قولچه‌چانتشار فاکسیمیله از برخی مصاحف کهن پرداخته‌اند و برخی دیگر چون یاسین داتن،^۲ غانم قدوری الحمد،^۳

1. Tayyar Altıkulaç. (ed.) *Al-Muşhaf al-Sbarîf attributed to 'Alî b. 'Abî Tâlib (The copy of Şan'a)*, Prepared for publication by Tayyar Altıkulaç; preface by Ekmeleddin İhsanoğlu; foreword by Halit Eren, Istanbul: Research Centre for Islamic History, Art and Culture (Critical editions series; no. 3), 2011. Ibid, *Al-Muşhaf al-Sbarîf attributed to 'Uthmân bin 'Affân (The copy at the Topkapı Palace Museum)*. Prepared for publication by Tayyar Altıkulaç; translated into Arabic by Salih Sadawi and into English by Semiramis Cavusoğlu; preface by Ekmeleddin İhsanoğlu; foreword by Halit Eren, Istanbul: Research Centre for Islamic History, Art and Culture (Critical editions series; no. 2), 1428/2007. Ibid, *The Qur'an manuscript, attributed to Caliph 'Uthmân, of Turkish and Islamic Arts Museum in Istanbul*. Istanbul: İSAM (İslam Araştırmaları Merkezi), 2008. 2 vols. 608+616pp. [Turkish title: *Hız Osman'a Nisbet Edilen Mushaf-ı Şerîf*].

2. Yassin Dutton, "An early *Muşhaf* according to the reading of Ibn 'Amir," *Journal of Qur'anic Studies* 3i (2001) pp. 71-89. Ibid, "An Umayyad fragment of the Qur'an and its dating," *Journal of Qur'anic Studies* 9ii (2007) pp. 57-87.

۳. آثار مکتوب غانم قدوری الحمد در زمینه تاریخ رسم و قرائات قرآنی فراوان است، اما تنها به سه اثر جدیدتر وی در زمینه مصاحف قرآنی اشاره می‌کنم: ظواهر کتابیه فی مصاحف مخطوطه: دراسة ومعجم، إعداد الدكتور غانم قدوری الحمد وأیاد سالم صالح السامرائی، دمشق: دارالغوثانی، ۲۰۱۰/۱۴۳۱. أبحاث فی رسم المصحف وضبطه، للدكتور غانم قدوری الحمد، عمان (الأردن): جمعية المحافظة علی القرآن الکریم، ۲۰۱۷. علم المصاحف: مجموعة أبحاث، للدكتور غانم قدوری الحمد، عمان (الأردن): جمعية المحافظة علی القرآن الکریم، ۲۰۱۷.

حسن شهیدی^۴ و بشیربن حسن الحمیری^۵ به تحلیل مباحث مرتبط با قرائات و رسم و هجای این مصاحف اهتمام ورزیده‌اند، تا از این طریق عناصر و داده‌های اطلاعاتی بیشتر و دقیق‌تری را به تاریخ قرآن بیفزایند. یکی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها، مقاله‌ی مشترک بهنام صادقی و محسن گودرزی در تحقیق و انتشار متن قرآن در لایه‌ی زیرین مصحف صنعاء است.^۶

در این نوشته می‌کوشم به وصف و شرحی در باب نسخه‌های قرآنی به خط حجازی بپردازم که در واقع کهن‌ترین دست‌نویس‌های قرآنی به جای مانده از قرون نخست به شمار می‌آیند. بدین منظور به ذکر مهم‌ترین نشانه‌های کهنگی (قدمت) متون و مصاحف قرآنی به دست‌خط حجازی خواهم پرداخت. این امر به ما کمک می‌کند تا بتوانیم در میان انبوهی نسخه‌ی قرآنی کتابت شده با خطوط کوفی در قرون نخست، مهم‌ترین و کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی متعلق به قرن اول تا نیمه‌ی قرن دوم هجری را از دیگر مصاحف ارزشمند قرآن به خط کوفی جدا کنیم.

علائم و ویژگی‌های کلی مصاحف حجازی

قدیمی‌ترین آثار مکتوب به جامانده از کتابت قرآن کریم، تقریباً همگی به رسم الخط حجازی‌اند. روشن است که این اصطلاحی کهن و به کاررفته در متون و ادبیات اسلامی قدیم نیست. نخستین بار میکله آماری (Michele Amari) بر اساس توصیف ابن ندیم راجع به خط مکی و خط مدنی، اصطلاح «خط مکی» را به کار برد.^۷ ابن ندیم در کتاب خود، الفهرست، گفته بود که در خط مکی و مدنی که از کهن‌ترین خطوط عربی‌اند، الف‌ها عموماً به سمت بالا و راست متمایل‌اند و در شکل کلی خط نیز افتادگی اندکی به چشم می‌خورد:

«فأما المكي والمدني ففي ألفاته تعويج إلى يمينه اليد وأعلى الأصابع، وفي شكله انضجاع يسير.»^۸

این امر سبب شد که محققان غربی پس از میکله آماری، نسخه‌های قرآنی با خط مایل را از سایر مصاحف قرآنی به انواع خط کوفی متمایز کنند و به آن نام «حجازی» یا مایل بدهند.

با آنکه اصطلاح «حجازی» از توصیف ابن ندیم راجع به خط مکی و مدنی اخذ شده است، اما باید

4. Hassan Chahdi, *Le mushaf dans les débuts de l'islam. Recherches sur sa constitution et étude comparative de manuscrits coraniques anciens et de traités de qir'ât, rasm et fawâsil*, Ph.D Dissertation, Paris, 2016.

۵. معجم الرسم العثماني، لبشیربن حسن الحمیری، الرياض: مرکز تفسیر للدراسات القرآنية، ۱۴۳۶/۲۰۱۵.

6. Behnam Sadeghi & Mohsen Goudarzi, "Šan'ā' 1 and the origins of the Qur'an," *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients* 87i-ii (2012) pp. 1-129.

این اثر اکنون در قالب کتابی به فارسی انتشار یافته است: بهنام صادقی و محسن گودرزی، مصحف صنعاء و مسئله‌ی خاستگاه قرآن، ترجمه و مقدمه از مرتضی کریمی‌نیا، تهران: هرمس، ۱۴۰۰؛ چاپ دوم، ۱۴۰۲.

7. Sheila S. Blair, *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006, p. 107, 134.

۸. ابن‌الندیم، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: مولف، ۱۳۵۰ شمسی / ۱۹۷۱ م، ص ۹.

به یاد داشته باشیم که این سبک مایل و خمیده در نگارش خط عربی قدیم، مختص قرآن نویسی در مکه و مدینه نبوده است، چرا که اکنون مصاحف متعددی از منطقه شامات می‌شناسیم (مثلاً نسخه شماره Or2156 در کتابخانه بریتانیا، و نسخه Arabe328 در کتابخانه ملی فرانسه) که آن‌ها نیز با همین سبک حجازی و مایل نوشته شده‌اند. روشن است که این سبک از کتابت در مصاحف قرآنی از نیمه قرن دوم به بعد یافت نمی‌شود، اما استفاده از خط کوفی با انواع مختلفش تا میانه‌های قرن ششم هجری ادامه یافته است.

در اینجا می‌گوئیم مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های برج مانده از قرآن نویسی در قرون نخست را مطرح کنیم که مجموعه آنها را تنها در مصاحف به خط حجازی می‌توان یافت. هرچه از سده نخست جلوتر می‌آییم، این علائم کم رنگ‌تر می‌شوند و در ادامه، برخی از آن‌ها به کلی محو می‌شوند، و برخی دیگر تنها در قرآن نویسی به خط کوفی باقی می‌ماند.

۱. خمیدگی کلی خط به سمت راست

نخستین نشانه قدمت، خمیدگی کلی خط مصحف به سمت راست است. در این سبک کتابت، الف‌ها و سایر حروف کشیده مانند ط و ل و سرکش کاف به روشنی به سمت راست در بالای سطور خم می‌شوند. میزان این خمیدگی بسته به مکان و زمان کتابت یا اجرای شخص کاتب تفاوت‌هایی دارد. در برخی نسخه‌های باقی مانده (مثلاً در مصحف پاریس-پترزبورگ^۹ و در نسخه DAM01-25.1 در دارالمخطوطات صنعاء)، میزان خمیدگی بسیار زیاد است و گاه به ۴۵ درجه هم می‌رسد و در برخی دیگر (مثلاً در لایه زیرین مصحف صنعاء^{۱۰}) این میزان بسیار کم است. میزان خمیدگی الف‌ها در «مصحف مشهد رضوی» بین ۱۰ تا ۲۰ درجه است. میزان اندکی از خمیدگی الف‌ها در برخی نسخه‌های کوفی کهن نیز باقی مانده است اما به تدریج در قرآن نویسی قرون دوم، سوم، و چهارم هجری این ویژگی به کلی از میان رفته است.

۲. نوشتن بر روی پوست

تا پیش از ورود و رواج استفاده از کاغذ در کتاب آرابی اسلامی در قرن سوم، پوست مهم‌ترین ابزار نگارش متن، به ویژه در دوران ظهور اسلام و پس از آن بوده است. هرچند در مناطقی از جهان چون مصر استفاده از پاپیروس رواج داشته، اما مصحف نگاری قرآنی متأثر از نگارش مصاحف دینی-مانند عهدین و کتب دینی مسیحی و یهودی-در دوران باستان متأخر با کتابت بر روی پوست شکل گرفت و تا زمان تداول وسیع کاغذ در اواخر قرن سوم، انواع پوست همچنان یگانه

۹. مصحف پاریس-پترزبورگ (Codex Parisino-petropolitanus) مصحفی واحد است که بخش اعظم او را باقی مانده از آن در کتابخانه ملی فرانسه (به شماره 328 Arabe)، بخش دیگر آن در کتابخانه ملی روسیه (به شماره 18 Marcel)، یک برگ آن در کتابخانه واتیکان (به شماره 1605/1 Vat. Ar.)، و برگ دیگری از آن در مجموعه دیوید خلیلی در لندن (KFQ 60) نگهداری می‌شود.

ابزار کتابت مصحف به شمار می‌رفت.^{۱۰} طبیعی است اگر امروزه مصحفی قرآنی بر روی کاغذ بیابیم، نمی‌توان آن را به سده‌های اول و دوم هجری نسبت داد. از همین رو، دشواری می‌توان پذیرفت که مثلاً مصحف شماره ۱۲۰۰ در موزه آستانه حرم حضرت معصومه سلام الله علیها با آنکه تاریخ ۱۹۸ هجری دارد، به راستی در زمان مأمون عباسی کتابت شده باشد، گویا اینکه در این مصحف، نشانه‌های واضح دیگری از قبیل خط و تذهیب متأخر از قرن چهارم و پنجم به وضوح پیداست.^{۱۱}

۳. مصاحف عمودی و نه افقی (بیاضی)

با آنکه خط و کتابت در شبه جزیره حجاز، امری کهن و دارای شواهد و اسناد بسیار (به ویژه در میان سنگ‌نوشته‌ها) است، نمونه‌ای از نگارش مصحف‌ها و کتب دینی یهودی و مسیحی به خط عربی پیش از اسلام در حجاز نمی‌توان یافت. نگارش کهن‌ترین مصاحف قرآنی در آغاز اسلام طبیعتاً متأثر از سایر نمونه‌های مصحف‌نگاری در منطقه شامات و بین‌النهرین بوده است. این مصاحف - یعنی عهدین و آثار دینی یهودی و مسیحی - تقریباً همگی در قطع عمودی و بر روی پوست نوشته می‌شده‌اند. نخستین مصاحف قرآنی نیز به همین نحو کتابت و تجلید شده‌اند. با این همه، از آنجاکه امروزه نمونه‌هایی اندک از مصاحف حجازی (مایل) در قطع بیاضی یا افقی می‌شناسیم (مثلاً نسخه TIEM ŞE 3702 در موزه هنرهای ترک و اسلام)، باید نتیجه بگیریم که اولاً عمودی بودن ویژگی قطعی مصاحف پوستی دو قرن اول نیست، و ثانیاً اغلب این مصاحف حجازی با قطع بیاضی در قرن دوم و در دوران گذار به خط کوفی استاندارد پدید آمده‌اند. نکته دیگر اینکه از زمان آشنایی مسلمانان با کاغذ و نگارش قرآن بر روی انواع کاغذ در قرن چهارم به بعد، مجدداً بیشتر مصاحف غیر پوستی را در قطع عمودی نوشته‌اند.

۴. تفاده حداکثری از تمام سطح پوست برگه

به سبب گرانی و کمی پوست در آغاز، نگارش مصاحف حجازی با بهره‌گیری از حداکثر سطح پوست برگه انجام گرفته است. این امر در قیاس با مصاحف کوفی که در قرون دوم، سوم و چهارم نوشته شده‌اند، و در آن‌ها حاشیه‌های قابل توجهی در اطراف متن قرآن، و نیز فاصله‌های زیادی بین سطوری بیابیم، قابل توجه است. در اغلب مصاحف به خط حجازی، نگارش متن قرآن از بالاترین قسمت ممکن در بالای برگه آغاز می‌شود و تا آخرین فضای ممکن در پایین برگه ادامه می‌یابد، و

۱۰. تنها یک نمونه از پاپیروس به خط حجازی می‌شناسیم که آن هم بعید است در اصل مصحف به معنای واقعی بوده باشد. این نسخه (P. Michaélidès No. 32) در قاهره می‌تواند همانند برخی کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های یافت شده در حجاز تنها به قصد کتابت پاره‌ای از قرآن نوشته شده باشد.

۱۱. درباره این نسخه نک: مرتضی کریمی‌نیا، «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱). قرآن ۱۲۰۰، در موزه آستانه حضرت معصومه علیها السلام: قرآنی از عهد مأمون عباسی یا قرن پنجم هجری»، آینه پژوهش، سال ۲۹، ش ۴/ شماره پیاپی ۱۷۲، مهر و آبان ۱۳۹۷، ص ۸۷-۹۶.

حاشیه‌های دوسوی راست و چپ برگه نیز بسیار اندک است. از همین رو، در اغلب مصاحف حجازی کهن، تعداد سطور زیاد - حتی تا بیشتر از ۳۰ سطر در هر برگ - می‌یابیم (برای نمونه در نسخهٔ Marcel 17 در کتابخانهٔ ملی روسیه، سن پترزبورگ، و نسخهٔ DAM 01-27.1 در دارالمخطوطات صنعاء).

۵. عدم تقید به نظم سطور و صفحه آرایی

این ویژگی ارتباط نزدیکی با خصوصیت قبلی دارد. بسیاری از کاتبان نخستین مصاحف قرآنی (با سبک حجازی) خود را به نظم در نگارش و صفحه آرایی مقید نمی‌دانند. از این رو، آثار و علائم شلختگی و بی‌نظمی در استقامت سطور، اندازهٔ سطور و حاشیه‌های اطراف به چشم می‌خورد. همچنین تعداد سطور در برگه‌ها ثابت و معین نیست. در حالی که نسخه‌های کوفی از قرن دوم به بعد عموماً از جهت تعداد سطور در هر صفحه ثابتند، و امتداد سطرها در آن‌ها صاف و مستقیم‌اند، مصاحف کتابت شده به خط حجازی در قرن نخست عموماً از این ویژگی خالی‌اند. به عنوان مثال، تعداد سطور در نسخهٔ DAM 01-29.1 (دارالمخطوطات صنعاء) بین ۱۶ تا ۳۰، در نسخهٔ Marcel 17 (کتابخانهٔ ملی روسیه، سن پترزبورگ) بین ۲۱ تا ۳۳، در نسخهٔ Ms. Or. 2165 (کتابخانهٔ بریتانیا، لندن) بین ۲۱ تا ۲۷ و در نسخهٔ Arabe 328a (کتابخانهٔ ملی فرانسه، پاریس) بین ۲۱ تا ۲۸ متغیر است. همچنین نگارش سطرهای کوتاه و بلند و کج و معوج در اغلب نسخه‌های فوق در قیاس با نسخه‌های کوفی قرون بعدی - با سطور یکسان و مستقیم - بسیار متفاوت و جالب توجه‌اند.

۶. کتابت پیوسته (*scriptio continua*)

این ویژگی از نخستین نمونه‌های خط عربی پدید آمده و تا قرن‌ها در مصحف نگاری قرآنی ادامه یافته است. از این رو، کتابت پیوسته در مصاحف حجازی و سایر مصاحف به خط کوفی مشترک است. در این شیوه از کتابت قدیمی که نمونه آن را در خطوط یونانی، عبری، آرامی و سریانی فراوان می‌توان یافت، «به فضای میان کلمات و داخل کلمه، درجایی که حروف به هم متصل نیستند، چندان اهمیت داده نمی‌شود. در حقیقت مجموعه‌های حروف به شکل تقریباً منظمی در صفحه پراکنده شده‌اند. احتمال شکسته شدن یک کلمه در پایان سطر در صورت لزوم، از تبعات این روش است؛ اما در پایان صفحه، کلمات هیچ‌گاه شکسته نمی‌شوند. منشأ این شیوه را احتمالاً باید در روش «پیوسته نگاری» یا «کتابت ناگسسته» مربوط به دوران باستان متأخر جستجو کرد»^{۱۲} که نمونه‌هایش در بسیاری از مصاحف و کتب دینی یهودی و مسیحی آن روزگار باقی مانده است. «کتابت پیوسته» در دوره‌های بعدی تحولاتی اندک یافته است. فی‌المثل در مصاحف اولیه (عمدتاً حجازی)، به ندرت کلمه‌ای در پایان صفحه شکسته می‌شود، اما این امر در مصاحف کوفی

از نیمه قرن دوم هجری به بعد بسیار فراوان است.^{۱۳}

۷. نبود تذهیب و سرسوره، جز تذهیب‌های ساده یا الحاقی

در مصاحف حجازی کهن، تذهیب به معنای آرایش‌های تزیینی در آغاز سوره‌ها، و به کارگیری علائم برای نشان دادن مواضع سجده و اجزای مختلف قرآن، چون تقسیمات هفتگانه، چهارده‌گانه و سی پاره قرآن، وجود ندارد. برای جدا سازی دو سوره از یکدیگر، غالباً تنها یک یا دو سطر به صورت فضای خالی قرار داده می‌شود؛ مثلاً در نسخه ۱-۲۵/۱ در دارالمخطوطات صنعاء، (برگ‌های ۹، ۲۳، ۲۷، ۲۸)، نسخه ۱-۳۰/۱ در دارالمخطوطات صنعاء، و نسخه Marcel3 در کتابخانه ملی روسیه. گاه به جای این فضای خالی از خطوطی ساده یا زیگزاگ برای جدا سازی دو سوره استفاده شده است؛ مثلاً در نسخه ۱-۲۹/۱ در دارالمخطوطات صنعاء (برگ‌های ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶ الف، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۲ ب)، در نسخه Marcel17 در کتابخانه ملی روسیه (برگ‌های ۲، ۱۱ و ۱۱)؛ و در نسخه SE56 در موزه هنرهای ترک و اسلام (برگ‌های ۱، ۲، ۴، ۶، ۱۷). در برخی نمونه‌ها، در زمانی متأخر از زمان کتابت نسخه، اسامی سوره‌ها را با قلم و رنگی متفاوت، در این قسمت خالی کتابت کرده‌اند؛ مثلاً در نسخه Or.2156 در کتابخانه بریتانیا، نسخه DAM 01-21.3 در دارالمخطوطات صنعاء، و نسخه Wetzstein II 1913 در کتابخانه دولتی برلین.^{۱۴} بنابراین تذهیب‌های موجود در سرسوره‌های برخی از نسخه‌های حجازی را می‌توان از ملحقات دوره‌های بعدی به این نسخه‌ها به شمار آورد؛ از جمله مثلاً در مصحف مشهد رضوی (= نسخه‌های ۱۸ و ۴۱۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی)،^{۱۵} نسخه E20 در مؤسسه مطالعات شرقی

۱۳. کتابت پیوسته تا حدود قرن ششم در بسیاری از نسخه‌های کوفی قرآن ادامه یافته که از مهم‌ترین نتایج آن شکستن یا تقطیع یک کلمه در انتهای سطر و نوشتن ادامه آن کلمه در سطر بعدی است. بر اساس تحقیقاتی که من انجام داده‌ام، به نظر می‌رسد، نخستین باز کتابان ایرانی در خراسان و ماوراءالنهر با این شیوه از کتابت پیوسته قرآن مخالفت کرده، و از تقطیع کلمات قرآنی در انتهای سطر امتناع کرده‌اند. برای این بحث و فهرستی از این قبیل قرآن‌های کوفی ایرانی، نگاه کنید به مقاله دیگر من با این مشخصات: «قرآن کوفی ۴۲۸۹ در موزه ملی ایران، و دیگر پاره مسروقه آن در موزه پارس (شیراز): طغیان علیه کتابت پیوسته» در قرآن نویسی کوفی، «آینه پژوهش»، سال ۳۱، ش ۱۸۴، مهر و آبان ۱۳۹۹، ص ۱۱۱-۱۷۷. بحث کامل در این باره را در مقاله (زیر چاپ) دیگر به انگلیسی ارائه کرده‌ام که با مشخصات زیر منتشر خواهد شد:

M. Karimi-Nia, "Against scriptio continua: Iranian Approaches to the Copying of the Qur'an during the Second and Third Centuries AH," in: *Qur'an Manuscripts in Current Research*, edited by François Déroche, Leiden: Brill, 2024 (forthcoming).

۱۴. در فضای خالی میان دو سوره، گاه به شیوه متداول کنونی به نام سوره بعدی و شروع آن اشاره می‌شود: «هذه فاتحة سورة فلان» (مثلاً در نسخه Marcel11 و Marcel18b) و گاه به نام سوره قبلی و اختتام آن تصریح می‌شود: «هذه خاتمة سورة فلان» (مثلاً در نسخه Marcel3).

۱۵. این اثر اکنون در قالب چاپ فاکسیمیله همراه با مقدمه‌ای جداگانه منتشر شده است. مشخصات اثر چنین است:

مصحف المشهد الرضوي: الجامع للتسخين المرقمتمين ۱۸ و ۴۱۱۶ في مكتبة العتبة الرضوية بمشهد،

(سن پترزبورگ)، نسخه SE80 در موزه هنرهای ترک و اسلام (استانبول)، نسخه DAM 01-28-1 در دارالمخطوطات صنعاء، و نسخه MaVI165 در کتابخانه دانشگاه توپینگن.

۸. رسم ناقص در کتابت صداهای بلند

خط عربی در گذشته‌های دور، املائی دقیق، یکدست و کاملی نداشته است. این خط به تدریج کامل شده و به حد امروزی رسیده است، گویانکه برخی جوانب نقص در آن همچنان باقی مانده و چه بسا به قاعده تبدیل شده است. مثلاً گذاشتن حرف واو به جای ضمه در کلماتی مانند اولئک و هؤلء یا حذف الف در کلماتی چون هذا و ذلک. یکی از مهم‌ترین موارد نقص خط عربی اولیه، حذف مکرر الف هنگام نشان دادن صدای بلند است. بر همین اساس، میکله آماری هنگام بررسی برخی از مصاحف کهن، این ویژگی املائی را «جنگ بی امان علیه الف» نام نهاده بود.^{۱۶} پس از او، رژی بلاشر، ایده رسم الخط ناقص (*scriptio defectiva*) را مطرح کرد.^{۱۷} این اصطلاح اگرچه در منابع اسلامی به کار نرفته است، می‌تواند توصیف خوبی از ویژگی خط کهن عربی به دست دهد. در این رسم الخط، علاوه بر نبود اعراب یا مصوت‌های کوتاه، صدای بلند /آ/ نیز به درستی نوشته نمی‌شود. از این رو، در مصاحف حجازی قدیم، میزان حذف الف (برای نشان دادن صدای بلند آ) بسیار زیاد است. این نقص را در نمونه‌های فراوان و مکرر از فعل‌های قال/قالت/قالوا (قل/قلت/قلوا)، و کان/کانوا (کن/کنوا) می‌توان دید.^{۱۸} برخی از عجیب‌ترین موارد که در مصاحف کهن به خط حجازی به کار رفته است، این‌ها هستند: نرا (به جای نارا)، المل (به جای المال)، صل (به جای صال)، و نظائر آن.

۹. فراوانی غرایب املائی در رسم کلمات

تصدیر: جواد الشهرستانی، دراسة وتحقیق: مرتضی کریمی نیا، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۱ش / ۱۴۴۴ق / ۲۰۲۲م. ۲۴۰ص. شابک: ۸-۶۶۴-۳۱۹-۹۶۴-۹۷۸. *Codex Mashhad: Qur'an Manuscripts Nos. 18 & 4116 in the Astān-i Quds Library*, edited by: Morteza Karimi-Nia, foreword by: Jawad al-Shahrestani, Qom: The Alulbayt Islamic Heritage Institute, 1444/2022, 1024pp. ISBN: 978-964-319-664-8.

مصحف المشهد الرضوي: تاريخه وخصائمه، تأليف: مرتضی کریمی نیا، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۲ش / ۱۴۴۵ق / ۲۰۲۳م. ۱۹۲ص. شابک: ۳-۶۶۵-۳۱۹-۹۶۴-۹۷۸. *Codex Mashhad: An Introduction to its History and Contents*, Morteza Karimi-Nia, Qom: The Alulbayt Islamic Heritage Institute, 1445/2023, 192pp. ISBN: 978-964-319-665-3.

16. M. Amari, *Bibliographie primitive du Coran... Extrait de son mémoire inédit sur la chronologie et l'ancienne bibliographie du Coran, publié et annoté par Hartwig Derenbourg, in Centenario della nascita di Michele Amari I, Palermo, 1910, p. 20.*

17. R. Blachère, *Introduction au Coran*, 2e éd., Paris, 1959, especially p. 79 and following.

۱۸. در برخی موارد این رسم ناقص بعداً از سوی خوانندگان نسخه اصلاح شده است. مثلاً در نسخه Marcel18b، تمام نمونه‌های «قل»، با قلمی متفاوت و متاخر، به «قال» تبدیل شده است.

غرائب رسم یا غرائب املائی یک اصطلاح قدیم شناخته شده در کتاب تفسیر و علوم قرآنی نیست. دانشمندان علوم رسم و قرائات، بسیار به ندرت به نمونه‌هایی از این موارد اشاره کرده‌اند و از همین رو، یافتن آنها در مصاحف کهن نوعی غرابت رسم به شمار می‌آید.^{۱۹} مراد من از غرائب املائی در رسم کلمات قرآنی، برخی استثناهای املائی است که تنها در نمونه کتیبه‌های کهن عربی و مصاحف حجازی سده نخست یافت می‌شوند، اما دانشمندان علم رسم و قرائات تقریباً هیچ یک از آنها را گزارش نکرده‌اند. این احتمال بعید نیست که برخی از این موارد به نحوه قرائت یا لهجه کاتبان یا خوانندگان آنها بازگردد، اما یقیناً نمی‌توان برای تمامی آنها خاستگاه لهجه‌ای و قرائتی ساخت. در اینجا به برخی از این غرائب املائی مصاحف حجازی اشاره می‌کنم که در مصاحف کوفی سده دوم به بعد، بسیار به ندرت دیده می‌شوند، یا بهتر است بگوییم اصلاً یافت نمی‌شوند: داود با املائی دواد، طوی با املائی طاوی، اولوا با املائی اولا، ذو با املائی ذوا، شئ با املائی شای (به صورت مکرر و متعدد)، جئ و جئت با املائی جایئ و جایث، جنه با املائی جانه، جنات با املائی جانت، اله با املائی الیه. جدول زیر توصیف ظاهری برخی از این غرایب را با مقایسه آنها با رسم رایج عثمانی نشان می‌دهد:

رسم غریب در مصاحف حجازی	املائی امروزی / رسم عثمانی	توصیف ظاهری کلمه
الیه	اله	نشان دادن صدای آ با یک دندانه
قرطیس / جنتین / کلیهما	قرطاس / جنتان / کلاهما	نشان دادن صدای آ با یک دندانه
جایئ / جایث	جئئ / جئت	نشان دادن صدای کسره با یک الف
شایث	شئث	نشان دادن صدای کسره با یک الف
طاوی	طوی	نشان دادن صدای ضمه با یک الف
شای	شئ	نشان دادن صدای فتحه با یک الف
جانه / جانت	جنه / جنات	نشان دادن صدای فتحه با یک الف
لاین	لئن	نشان دادن صدای فتحه با یک الف

۱۹. شاید این امر را بتوان شاهدی دانست بر این اینکه دانشمندان علم رسم، چون ابو عمرو دانی (م ۴۴۴ ق) و ابو داود سلیمان بن نجاح (م ۴۹۶ ق)، در آثار خود، هنگام گزارش مصاحف کهن قرآنی و نیز در نقل اقوال گذشتگان، هیچ‌گاه نمونه‌هایی از مصاحف حجازی سده نخست هجری را گزارش نکرده‌اند، بلکه به مصاحف کوفی متداول از قرن دوم هجری به بعد نظر داشته‌اند که در آنها چنین مواردی بسیار به ندرت یافت می‌شود. مثلاً در مورد کتابت ذو به صورت ذوا، ابو عمرو دانی در المقنع فی معرفة رسم مصاحف الأمصار (ص ۲۸) چنین می‌نویسد: «واتفقت المصاحف علی حذف الألف بعد الواو التي هی علامة الرفع فی الاسم المفرد المضاف نحو قوله (الذو علم) و (الذو فضل) و (الذو مغفرة) و (الذو عقاب) و (الذو العرش) و (الذو الفضل) و ما كان مثله حیث وقع». این امر نشان می‌دهد که وی احتمالاً از رسم کلمه «ذو» به صورت «ذوا» در بسیاری از مصاحف کهن مطلع نبوده است.

سواً/سواة/السیا	سو/سوة/السیئ	نشان دادن همزه با یک الف
راوس	رؤس	نشان دادن همزه با یک الف
سیاة	سیئة	نشان دادن همزه با یک الف
یاوده	یوده	نشان دادن همزه با یک الف
دواد	داود	نشان دادن صدای ضمه با یک الف یا: جابجایی دو حرف الف و واو
ذوا	ذو	گذاشتن الف زینت برای ذو
اولا	اولوا	حذف واو در اولوا
بلحق/ بلبینت/ بلغیب	بالحق/ بالبینت/ بالغیب	حذف الف وصل در اتصال دو کلمه

۱۰. نشانه گذاری پایان آیات

اجزای سوره‌ها یعنی پایان آیات از قدیم‌ترین نگارش‌های قرآنی مشخص شده‌اند. در سراسر نسخه‌های کهن حجازی، به روشنی می‌یابیم که کاتبان همواره پایان آیات را به صورت منظم با علائمی مشخص کرده‌اند. هریک از کاتبان، برای نشان دادن پایان آیات، شیوه‌ای مخصوص به خود دارند، اما همگی شان متکی به روش نمایش مشابهی‌اند: مجموعه‌ای از نقاط کشیده که به صورت مربع، مثلث یا مستطیل مرتب شده‌اند. این مطلب با دیدگاه تئودور نلده که در تضاد است که بر اساس شواهد متأخر، تقسیم بندی آیات را مشخصه‌ای متداول در نخستین روایت‌ها و کتابت‌های متن قرآن نمی‌داند.^{۲۰} روشن است که نلده که بر اساس مشاهده نسخه‌های نسبتاً متأخر در دوشهر برلین و گوتا (که بسیاری از آنها متعلق به قرون دوم و سوم و بعد از آن هستند) به این نتیجه رسیده است. بررسی مصاحف به خط مایل نشان می‌دهد که جداسازی آیات از یکدیگر و مشخص کردن پایان هر آیه، از آغاز اسلام و در نخستین کتابت‌های متن قرآنی وجود داشته است. بعدها به دلایلی از میانه‌های قرن دوم تا اواسط قرن چهارم، این امر در باغلب مصاحف به خط کوفی کنار گذاشته شده است. بر این اساس می‌توان گفت هر نسخه‌ای که در آن پایان آیات مشخص شده، نسبت به نسخه‌ای که در آن چنین نشده، کهن‌تر است.^{۲۱}

۱۱. مشخص کردن بسملة به عنوان آیه مستقل

تعیین بسملة به عنوان آیه‌ای مشخص نیز از ویژگی‌های نسخه‌های اولیه قرآنی است که عموماً با

20. Th. Nöldeke, *Geschichte des Qorâns*, Göttingen, 1860, p. 323.

۲۱. گفتنی است که بر روی بسیاری از نسخه‌های قرآنی به خط کوفی یا حجازی، آیات قرآنی در دسته‌های پنج‌تایی و ده‌تایی مشخص شده‌اند. این امر در اغلب این نسخه‌ها با قلمی متفاوت، و در زمانی متأخر از زمان کتابت متن صورت گرفته است و علامت‌گذار تخمیس و تعشیر هیچ‌گاه بسملة را آیه مجزا به شمار نیاورده است.

خط حجازی کتابت شده‌اند.^{۲۲} این امر که در نسخه‌های حجازی بسیار مشهود است، از میانه‌های قرن دوم به تدریج رو به کاهش می‌گذارد. بعید نیست که منازعات تفسیری و فقهی در باب جزئیت بسمله، و جواز یا عدم جواز جهر به بسمله در نماز، سبب حذف علامت گذاری بسمله در مصاحف قرآنی قرن دوم به بعد شده باشد. از این رو، نسخه‌های کوفی قرآن طی قرون سوم و چهارم تقریباً هیچ‌گاه بسمله را یک آیه مجزا نمی‌شمارند و برای آن علامتی قرار نمی‌دهند، همچنان‌که اغلبشان، پایان هیچ یک از آیات دیگر را نیز علامت گذاری نمی‌کنند، بلکه تنها به تخمیس و تعشیر آیات (یعنی مشخص کردن دسته‌های پنج‌تایی و ده‌تایی آیات) بسنده می‌کنند.

۱۲. وجود سهو و اشتباهات مکرر کاتب

اشتباه یا سهو کاتب امری رایج و طبیعی در نگارش مصاحف قرآنی از روزگاران قدیم بوده است. از همین رو، این امر از نخستین سال‌های کتابت قرآن نیز می‌توانسته است رخ دهد. هرچه به صدر اسلام نزدیک‌تر می‌شویم، این اشتباهات بیشتر و متنوع‌ترند. هم در روایات کهن تاریخی و هم در نمونه‌های باقی مانده از کهن‌ترین مصاحف قرآنی می‌توان شواهد روشنی برای این امر یافت.^{۲۳} این امر چنان بوده است که در قرون بعدی، و با رسمیت یافتن شغل کاتبان و کتابت قرآنی، اغلب پس از کتابت یک مصحف، فرد یا افرادی مأمور کنترل بعدی آن برای رفع اشتباهات احتمالی آن می‌شده‌اند. گزارش مربوط به مصحف عبدالعزیز بن مروان (۲۷-۸۶ ق)، نشان می‌دهد که نوعی از مقابله و تصحیح نسخه قرآن در اواخر قرن اول نیز متداول بوده است:

«فأمر فكتب له هذا المصحف الذي في المسجد الجامع اليوم، فلما فرغ منه قال: من وجد فيه حرفاً خطأ فله رأس أحمر وثلاثون ديناراً، فتداوله القراء، فأتى رجل من قراء الكوفة اسمه زرة بن سهل الثقفي فقراه تهجياً، ثم جاء إلى عبد العزيز بن مروان فقال له: إني قد وجدت في المصحف حرفاً خطأ، فقال: مصحفي؟ قال نعم. فنظر فإذا فيه إن هذا أخي له تسع وتسعون نعجة. فإذا هي مكتوبة نعجة، قد قدمت الجيم قبل العين، فأمر بالمصحف فأصلح ما كان فيه، وأبدلت

۲۲. قرآن‌های بسیار معدودی می‌شناسیم که در آن‌ها، آیات قرآن هم‌زمان با کتابت متن، مشخص و جداسازی شده، اما بسمله در آن‌ها یک آیه مستقل انگاشته نشده است. نسخه قرآنی شماره ۳۷۰ Arabe در کتابخانه ملی فرانسه از این قبیل است. چنین مصاحفی از نظر من، متأخر از نیمه قرن دوم و پس از آن هستند. نمونه دیگر نسخه قرآن به شماره ۱۹۴۳ Wetzstein II در کتابخانه دولتی برلین است که کاتب آن، با وجود علامت گذاری پایان آیات، تنها در برخی موارد، بسمله در آغاز سوره‌ها را، یک آیه شمرده است. (تعیین عد الای در این نسخه بسیار بی‌انضباط است).

۲۳. طیار آلتی قولاج در معرفی خود از برخی نسخه‌های معروف قرآنی به نمونه‌هایی از این موارد (مثلاً در نسخه منسوب به عثمان بن عفان در موزه تویقایی، در نسخه المشهد الحسینی در قاهره، و در نسخه منسوب به امام علی علیه السلام در صنعا) اشاره کرده است. نک. طیار آلتی قولاج، مقدمه المصحف الشریف المنسوب إلى عثمان بن عفان رضي الله عنه: نسخة المشهد الحسینی بالقاهرة، استانبول، ۱۴۳۰/ق ۲۰۰۹ م، ج ۱، ص ۱۰۱-۱۰۹، ۱۱۰-۱۳۶، ۱۳۸-۱۳۶.

نمونه‌های فراوانی از تصحیح‌های انجام یافته بر روی نسخه‌های کهن قرآنی که امروزه در اختیار ماست، گواه این امر است. با این همه، بسیاری از این اشتباهات در نسخه‌های قرآنی به خط حجازی، همچنان طی قرون بعدی از چشم مصححان مخفی مانده و اکنون به دست مارسیده است.^{۲۵} در مقابل، سهو کاتب در نسخه‌های کوفی قرون سوم و چهارم بسیار کمتر، و گاه نزدیک به صفر است. یکی از دشواری‌های پژوهش در اشتباهات کاتب در نسخه‌های قرن نخست هجری آن است که گاه به روشنی نمی‌توان سهو کاتب را از تفاوت رسم (مثلاً در جنتان/جنتین)، و اختلاف قرائت (مثلاً در بری/براء) تشخیص داد.

۱۳. فراوانی قرائت خاص صحابه و شواذ قرائت

در تمام مصاحف قرآنی کوفی و غیرکوفی قدیم، نمونه‌های مختلفی از اختلاف قرائت را می‌توان یافت. بسیاری از مصاحف قرون پنجم تا هشتم هجری به یکی از قرائت سبع (مثلاً قرائت ابو عمرو، ابن کثیر یا نافع)، یا بر اساس یکی از اختیاری‌های قرائی (مثلاً ابو حاتم سجستانی، یا ابو عبید) کتابت شده‌اند. در مصاحف کوفی قرون سوم و چهارم نیز اعراب‌گذاری بر اساس قرائت یک یا دو یا چند تن از قراء سبعة یا عشره را می‌توان مشاهده کرد.^{۲۶} اما مصاحف حجازی قرون نخست حاوی برخی قرائت‌های خاص و غیرمتداول اند که غالباً در شمار قرائت شاذ قرار می‌گیرند و اغلب آنها را می‌توان

۲۴. ابن دُقماق، کتاب الانتصار لواسطة عقد الامصار، ص ۷۲-۷۳؛ المقریزی، المواظف والإعتبار، ج ۴، ص ۱۹. ۲۵. مراد این بحث، تصحیحات قاریان یا مصححان بعدی در مورد نوع رسم الخط کلمات قرآنی در نسخه‌های کهن نیست. گاه خوانندگان بعدی مصاحف به تصور اشتباه، کوشیده‌اند برخی موارد را اصلاح یا ترمیم کنند، لذا متن نسخه را با قلمی متأخر پیرنگ کرده‌اند یا برای بهتر خوانده شدن، حرفی مانند الف را در متن وارد کرده‌اند. مانند افزودن الف بعد از واو جمع در نسخهٔ Arabe 328a یا افزودن الف در قال و مانند آن در «مصحف مشهد رضوی». مثلاً در برگهٔ ۳۱ ر و از این مصحف (نسخهٔ ش ۱۸)، در عبارت «ان لم یکن لکم ولد» (نساء، ۱۲)، نوشته شده بوده است: «الم یکن لکم ولد»، و بعداً نون با رسم الخطی متاخر اضافه شده است؛ در برگهٔ ۱۰۰ ا پشت، اولوا الالب (رعد، ۱۹) به صورت اولوا الالب آمده که بعدها فردی آن را به صورت ناشیانه به اولو (بدون الف زینت) تغییر داده است. همچنین در آیهٔ ۲۶۹ بقره (برگهٔ ۱۹ ر و) اولوا الالب به اولوا الالب تغییر یافته است.

۲۶. حتی گاه ممکن است یک مصحف قرن سوم یا چهارم بر اساس مجموعه‌ای از قرائت‌های شاذ اعراب‌گذاری شده باشد. معمولاً این کار با استفاده از اعراب‌گذاری با نقاط سبز انجام می‌گرفته است. مثلاً در نسخهٔ قرآن شمارهٔ ۲۶ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، و در نیز قرآن ابن سیمجور (جزوات قرآنی ش ۳۰۱ و ۳۰۱۲ در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی). در بخشی از همین قرآن ابن سیمجور که اکنون در مجموعهٔ ناصر دیوبند خلیلی (به شمارهٔ Qur286) نگهداری می‌شود، آیهٔ «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ» (الزخرف، ۸۴) مطابق با قرائت ابن مسعود، ابی بن کعب و دیگران، با رنگ سبز، به صورت «وهو الذي في السماء الله وفي الارض الله» تغییر یافته است. برای تصویری از این صفحه، نک. کتاب زیر:

François Déroche, *The Abbasid tradition*, pp. 142-143.

به یکی صحابه، تابعین یا قراء معروف منتسب ساخت. با این حال، گاه در این مصاحف قدیمی، به قرائتی برمی‌خوریم که در هیچ یک از مصادر شناخته شده به هیچ کسی منتسب نشده است. به عکس مصاحف متأخر کوفی و غیرکوفی، اغلب این قرائات در مصاحف به خط حجازی، در بدنه اصلی کلمات و بدون توجه به اعراب گذاری قابل مشاهده‌اند.

۱۴. عدم رعایت ترتیب رایج در چینش سوره‌ها

ترتیب رایج از توالی ۱۱۴ سوره قرآنی به «ترتیب عثمانی» معروف است. با این همه، روایات و منابع کهن چینش‌های دیگری از سوره‌های قرآن را به برخی از صحابه پیامبر اکرم (ص)، چون امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود نسبت داده‌اند.^{۲۷} این گونه ترتیب‌ها از سوره‌های قرآن را باید ترتیب‌های غیررسمی دانست که در بدنه عمومی جامعه رواج نداشته است. با این حال، ترتیب‌های غیررسمی و مخالف با ترتیب رایج عثمانی در برخی مصاحف کهن از سده نخست یافت می‌شود که همگی به خط حجازی و در قطع عمودی کتابت شده‌اند. روشن است که چنین شیوه‌ای از کتابت مصحف در قرون بعدی و در قرآن نویسی به خط کوفی و در قطع افقی ادامه نیافته است. نمونه‌ای از چینش سوره‌های قرآن به ترتیبی غیرعثمانی را در «مصحف صنعاء» (لایه زیرین)، «مصحف مشهد رضوی» (در وضعیت اولیه اش)، و نیز در دو نسخه به شماره‌های DAM 01-28.1 و DAM 01-32.1 در دارالمخطوطات صنعاء می‌توان یافت.

تقدم کلی و نسبی نسخه‌های حجازی قرآن بر نسخه‌های کوفی

همچنان‌که گذشت، برخی از ویژگی‌های یادشده در بالا (مثلاً: کتابت پیوسته، و کتابت بر روی پوست) به صورت مشترک در قرآن‌های حجازی و کوفی دیده می‌شود؛ با این همه، برخی از این ویژگی‌ها، مانند عدم رعایت ترتیب رایج در چینش سوره‌ها، تنها و تنها در مصاحف حجازی یافت شده است. همچنین میزان و تنوع غرایب املائی موجود در نسخه‌های حجازی قابل قیاس با غرابت املائی در نسخه‌های کوفی نیست. با توجه به اینکه سیر تحول و تکامل تاریخی در این امور از بی‌نظمی و بی‌قاعدگی و تکثر به سمت نظم و قاعده و وحدت است، می‌توان به روشنی تقدم کلی و نسبی قرآن‌های حجازی بر قرآن‌های کوفی را نتیجه گرفت. این امر نافی آن نیست که برخی موارد خاص و متأخر از قرآن‌های حجازی در زمانی کتابت شده باشند که نگارش قرآن با سبک کوفی رواج یافته بوده است. طبیعتاً در این نمونه از قرآن‌ها، ویژگی‌های چهارده‌گانه فوق‌کمتر و به نحو ضعیف‌تر دیده می‌شود. اما چنانچه تمام یا اغلب ویژگی‌های بالا در مصحفی کهن یافت شود، می‌توان حکم کرد که آن مصحف به احتمال قریب به یقین، نسخه‌ای از سده نخست و به خط

حجازی است.

ذکر فهرست کاملی از تمام قرآن‌های کهن به خط حجازی همراه با مشخصات نسخه شناختی هر یک از این آثار در اینجا، مقدمه‌کنونی ما را بسیار طولانی می‌سازد. برای اختصار در نوشتار کنونی، من خوانندگان را به مقاله‌ای آنلاین با عنوان «فهرستی مختصر از نسخه‌های عربی قرآن قابل انتساب به قرن اول هجری»^{۲۸} نوشته‌م. سیف‌الله در وبسایت www.islamic-awareness.org ارجاع می‌دهم. در این صفحه اینترنتی، تصاویر متنوع و فراوانی از نسخه‌های یادشده را نیز می‌توان مشاهده کرد.



28. <https://www.islamic-awareness.org/quran/text/mss/hijazi.html>

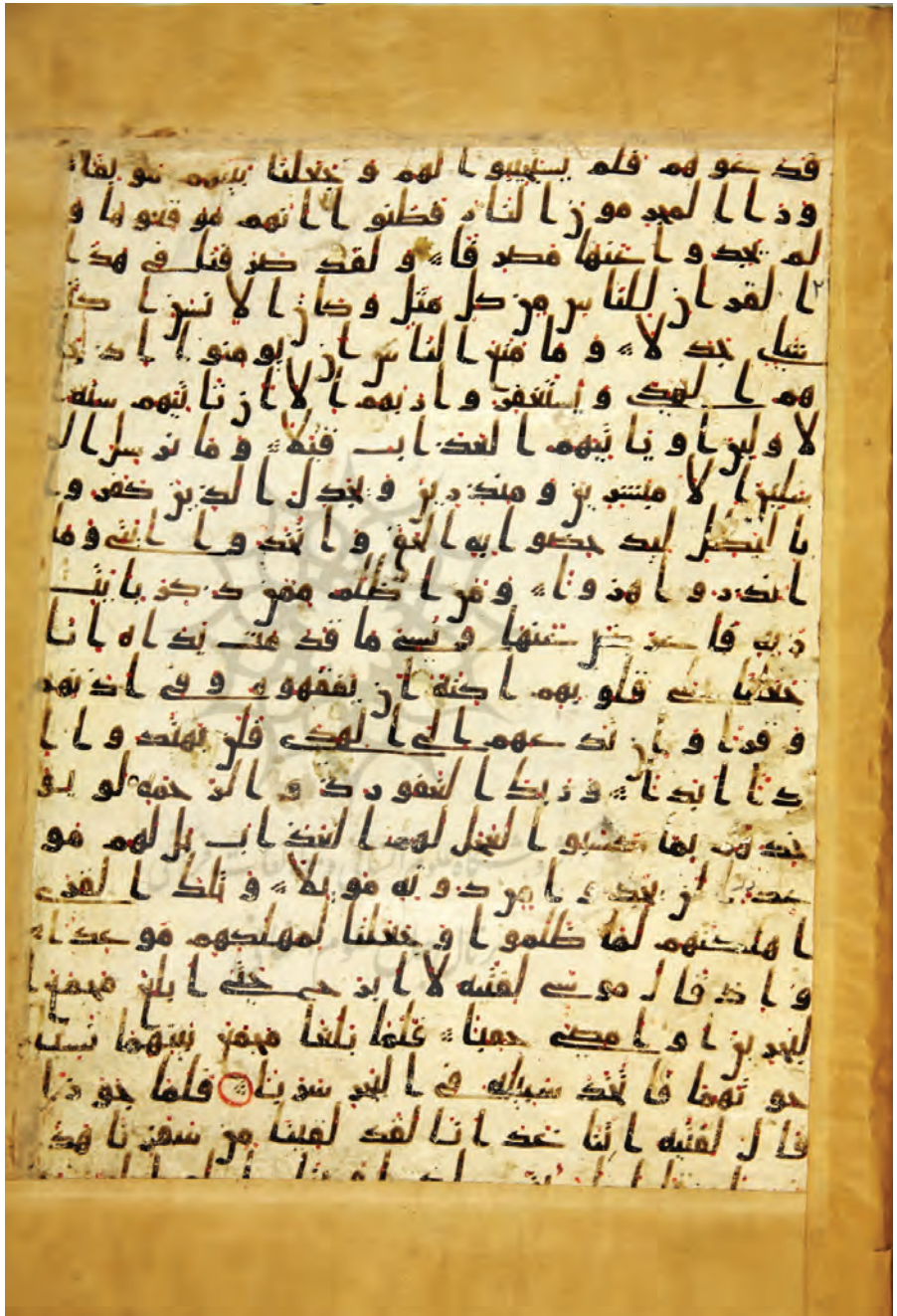
واطعنا واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 فوهم واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 الا واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 بما نزلنا محمد فا لعلهم من قدامنا
 وحوها فنزلنا على ادم واطعمنا
 اصبنا السبب واطعمنا واطعمنا
 لا نعلم ان شريك به واطعمنا
 واطعمنا باللم فعدا فتري اتماما عظيما
 فدا ليراد ان تذكروا انفسهم بل الله ذكركم
 نسا واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 الله الكذب واطعمنا واطعمنا
 الذا واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 والظنوت واطعمنا واطعمنا
 هدي من اذنا منوا سبيلا واطعمنا
 الله واطعمنا الله فاطعمنا
 نصيب من الملك واطعمنا
 ام نعد واطعمنا واطعمنا
 واطعمنا واطعمنا واطعمنا
 ملكا عظيما واطعمنا واطعمنا
 عنه واطعمنا واطعمنا
 سوو فصلهم ناديا كلما نصبت خلودهم
 لهم خلودا غير ما لظن واطعمنا
 كان عودا حكما واطعمنا واطعمنا
 لصلحت سند خلهم حانث قدر من قدامنا
 حاد من قدامنا واطعمنا واطعمنا
 علمه خلا لعلنا واطعمنا واطعمنا

کتابخانه ملی روسیه،
 سن پترزبورگ، نسخه
 Marcel17، برگ ۱۱۴ الف



کتابخانه دانشگاه
بیرمنگام، بیرمنگام،
نسخهٔ Islamic Arabic
1572b، برگ ۶الف

آینه پژوهش ۲۰۳
سال ۳۴، شماره ۵
آذر دی ۱۴۰۲



کتابخانه آستان قدس
رضوی، مشهد، مصحف
مشهد رضوی، بخش اول
(= نسخه قرآن ش ۱۸)،
برگ A118a

انفقوا بطول قمارهم لا لیس
 ام کار من السبیلین لا غنہ غنہ
 ااولادہ اوتنا شی بطول مین فمک
 غنہ نبتہ فقال انظربها لم یط به و
 شک من نیا شیاء غیره ان و حدت امد
 ه تلکهم و اوتتک من کل شیء و لها غنہ
 عکلمه و حدتها و قومها لهدوز الشمس
 من دور الله و ذنر لهم الشطر اعلمهم
 قصد هم عبر السبیل فهم لا نهک وز الا فیر
 و الله الیک المرجع الخیر فی السعوات
 و الا دیر و تعلم ما یعوز و ما سلون الله
 لا اله الا هو ذب التذین العظیمه و
 سنظر اذک فام کتب من الکدین
 اذک من یکش هذا فایه بالهم ثم نوال
 عنهم فانظر ما کانت جعوزه فالت باهم
 الملا ان الله الیک کتب کتبہ بانه من
 سلیم و بانه بسم الله الی حفرا الی جم
 الا نعلوا علی و ان نوت مسلمین فالت
 نا بها املوا ا فنوت فی ام ما کتب
 فکنته امد ا حنه کتب
 ا فوه و ا و لو

کتابخانه آستان قدس
 رضوی، مشهد، مصحف
 مشهد رضوی، بخش دوم
 (= نسخه قرآن ش ۴۱۱۶)،
 برگ B25a

آینه پژوهش ۲۰۳
 سال ۳۴، شماره ۵
 آذر و دی ۱۴۰۲

منابع

- ابن دقماق، صارم الدين إبراهيم بن محمد بن أيمن. الانتصار لواسطة عقد الامصار، تحقيق كارل فولرز، القاهرة: مطبعة الأميري الكبرى، ۱۳۰۹ق.
- ابن النديم [نديم]، الفهرست، تحقيق رضا تجدد، تهران، ۱۳۵۰ شمسی / ۱۹۷۱م.
- ابو داود سليمان بن نجاح. مختصر التبيين لهجاء التنزيل، تحقيق احمد بن احمد بن معمر شرشال، مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۲۱.
- آلتی قولاج، طيار. المصحف الشريف المنسوب إلى عثمان بن عفان رضی اللہ عنہ: نسخة المشهد الحسيني بالقاهرة، استانبول، ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م.
- آلتی قولاج، طيار. المصاحف الاولي: دراسة وتدقيق لأقدم المصاحف التي وصلتنا، استانبول: مركز الأبحاث للتاريخ والفنون والثقافة الإسلامية، ۱۴۳۷ق / ۲۰۱۶م.
- الداني، ابو عمرو عثمان بن سعيد. المقنع في معرفة رسم مصاحف الأمصار، تحقيق محمد احمد الدهمان، دمشق: دار الفكر، ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
- صادقى، بهنام و محسن گودرزى. مصحف صنعاء ۱ و مستلثة خاستگاه قرآن، ترجمه و مقدمه از: مرتضى كريمى نيا، تهران: هرمس، ۱۴۰۰؛ چاپ دوم، ۱۴۰۲.
- كريمى نيا، مرتضى. «قرآن كوفى ۴۲۸۹ درموزه ملی ايران، و ديگر ياره مسروقه آن درموزه پارس (شيراز): طغيان عليه "كتابت پيوسته" در قرآن نويسى كوفى»، آينه پژوهش، سال ۳۱، ش ۱۸۴، مهر و آبان ۱۳۹۹، ص ۱۱۱-۱۷۷.
- كريمى نيا، مرتضى. «نسخه‌شناسی مصاحف قرآنی (۱). قرآن ۱۲۰۰، درموزه آستانه حضرت معصومه عليها السلام: قرآنی از عهد مامون عباسی یا قرن پنجم هجرى»، آينه پژوهش، سال ۲۹، ش ۴ / شماره پيايى ۱۷۲، مهر و آبان ۱۳۹۷، ص ۸۷-۹۶.
- المقريزي، تقى الدين أحمد بن علي بن عبد القادر. المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸هـ.
- مصحف المشهد الرضوي: الجامع للستختين المرقمتين ۱۸ و ۱۱۶ في مكتبة العتبة الرضوية بمشهد، تصدير: جواد الشهرستاني، دراسة و تحقيق: مرتضى كريمى نيا، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۱ش / ۱۴۴۴ق / ۲۰۲۲م. ۱۰۲۴ص. شابك: ۸-۶۶۴-۳۱۹-۹۶۴-۹۷۸.
- مصحف المشهد الرضوي: تاريخه و خصائصه، تأليف: مرتضى كريمى نيا، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۲ش / ۱۴۴۵ق / ۲۰۲۳م. ۱۹۲ص. شابك: ۳-۶۶۵-۳۱۹-۹۶۴-۹۷۸.

Altıkulaç. Tayyar (ed.), *Al-Muşhaf al-Sbarif attributed to 'Utbmān bin 'Affān (The copy at the Topkapı Palace Museum)*. Prepared for publication by Tayyar Altıkulaç; translated into Arabic by Salih Sadawi and into English by Semiramis Cavusoğlu; preface by Ekmeleddin İhsanoğlu; foreword by Halit Eren, Istanbul: Research Centre for Islamic History, Art and Culture (Critical editions series; no. 2), 1428/2007.

Altıkulaç. Tayyar (ed.), *Al-Muşhaf al-Sbarif: attributed to 'Ali b. 'Abi Tālib (The copy of Şanā'a)*, Prepared for publication by Tayyar Altıkulaç; preface by Ekmeleddin İhsanoğlu; foreword by Halit Eren, Istanbul: Research Centre for Islamic History, Art and Culture (Critical editions series; no. 3), 2011.

Altıkulaç. Tayyar (ed.), *The Qur'ān manuscript, attributed to Caliph 'Utbmān, of Turkish and Islamic Arts Museum in Istanbul*. Istanbul: İSAM (İslam Araştırmaları Merkezi), 2008. 2 vols. 608+616pp. [Turkish title: *Hız. Osman'a Nisbet Edilen Mushaf-ı Şerif*].

Blachère, Régis, *Introduction au Coran*, 2e éd., Paris: Maisonneuve & Larose, 1959.

- Blair, Sheila S., *Islamic Calligraphy*, Edinburgh: Edinburgh University Press, 2006.
- Cook, Michael, "The Stemma of the Regional Codices of the Koran", *Graeco-Arabica* 9-10 (2004) pp. 89-104.
- Codex Mashhad: Qur'an Manuscripts Nos. 18 & 4116 in the Āstān-i Quds Library*, edited by: Morteza Karimi-Nia, foreword by: Jawad al-Shahrestani, Qom: The Alulbayt Islamic Heritage Institute, 1444/2022, 1024pp. ISBN: 978-964-319-664-8.
- Codex Mashhad: An Introduction to its History and Contents*, Morteza Karimi-Nia, Qom: The Alulbayt Islamic Heritage Institute, 1445/2023, 192pp. ISBN: 978-964-319-665-3.
- Déroche, François, *Qur'ans of the Umayyads: A First Overview*, Leiden: Brill, 2014.
- Déroche, François, *The Abbasid Tradition: Qur'ans of the 8th to the 10th Centuries A.D.* (The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art, vol. 1), London: The Nour Foundation in association with Azimuth Editions and Oxford University Press, 1992.
- M. Amari, *Bibliographie primitive du Coran ... Extrait de son mémoire inédit sur la chronologie et l'ancienne bibliographie du Coran*, publié et annoté par Hartwig Derenbourg, in Centenario della nascita di Michele Amari I, Palermo, 1910.
- Nöldeke, Theodor, *Geschichte des Qorāns*, Göttingen: Verlag der Dieterichschen Buchhandlung, 1860.
- Nöldeke-Schwally, *Geschichte des Qorāns*, Vol. 2. *Die Sammlung des Qorāns*, Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung, 1919. Vol. 3, Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung, 1938.
- Sadeghi, Behnam & Mohsen Goudarzi, "Şan'ā' 1 and the origins of the Qur'an," *Der Islam: Zeitschrift für Geschichte und Kultur des islamischen Orients* 87i-ii (2012) pp. 1-129.

